

فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۸ [انتشار: زمستان ۱۳۹۹]

سرسختن: دیپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب • نظام تعریف/علی اشرف صادقی • معرفی سه منبع کهن رباعیات خیام / سید علی میرافضلی • سیدمهره و شکبه / علی صفی آققله • چند نکته و لغت از «مواهب الہی» معین الدین یزدی / احمد پنهانی • توضیحاتی درباره چند تن از مملو حان موزجوری دامغانی / راضیه آبدیان • تصحیح پیتی از طلیان مرغری / محسن احمدوندی • خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلہم باخرا، ترجمہ: سہاس ریوندی • نگاہی بہ «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجالدین کیوانی • نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجالدین کیوانی • توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن بہ پارسی» / مسعود قاسمی / مسعود قاسمی • رباعیات ختام بہروایت شیخ محمود بیروذاتی / سید علی میرافضلی • «تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرشتی بایدہا و ناپیدہای پژوهش / علی شاپوران • حکایتی ساختگی از قرآنہای خطی افغانستان: نقادی بر کتاب «حکایت قرآنہای ناپیدای افغانستان» و مقالہ «آغازی بر فہرست نگاری مخطوطات افغانستان» / مصوبہ نظری • نگاہی بہ تصحیح «خلاصۃ الاشعار و زیۃ الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)» / مرتضی موسوی • معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدر زادہ سردرود • نقد و بررسی ترجمہ «شکوئتلا» / سید احمد رضا قائم مقامی • دورنمایی از کتاب «قرآن موزخان» / زینب سادات ایلچی • نگاہی منتقدانہ بہ مقالہ «سنگ نبشتہای نویافتہ در آرامگاہ داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» / سہیل دلشاد • ریشہ شناس چہ می کند (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم مقامی • آثار نعیمہ مصطفی افندی / نصراللہ صالحی



فهرست

سرخن

دپلماسی فرهنگی و میراث مکتوب ۵-۳

جستار

نظام تعریف / علی‌اشرف صادقی ۷-۶
معرفی سه منبع کهن رباعیات ختیم / سید علی میرافضلی ۱۳-۸
سپیدمهره و شنکجه / علی صفری آق‌قلعه ۱۷-۱۴
چند نکته و لغت از «مواهب الهی» معین‌الدین یزدی / احمد بهنامی ۲۱-۱۸
توضیحاتی درباره چند تن از ممدوحان منوچهری دامغانی / راضیه آبادیان ۲۷-۲۲
تصحیح بیت‌ی از طیتان مرغزی / محسن احمدوندی ۳۰-۲۸
خاکم به دهان، درباره سابقه یک مثل / ویلهلم باخر؛ ترجمه: سپاس ریوندی ۳۳-۳۱

نقد و بررسی

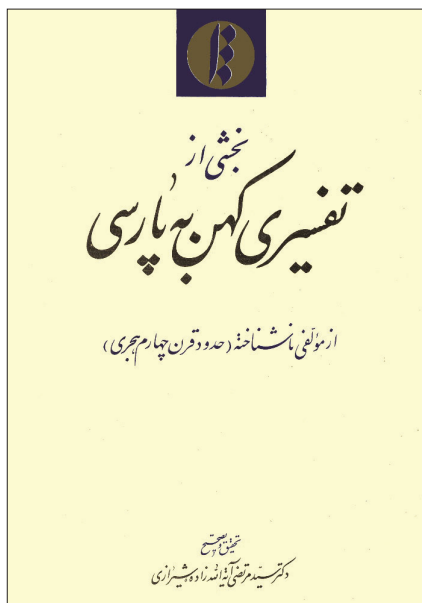
نگاهی به «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» / مجتالدین کیوانی ۴۹-۳۴
نقد و بررسی «دیوان ازرقی هروی» / مجتالدین کیوانی ۵۴-۵۰
توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن به پارسی» / مسعود قاسمی ۶۴-۵۵
نکاتی درباره «تفسیر قرآن پاک» / مسعود قاسمی ۷۱-۶۵
رباعیات ختیم به روایت شیخ محمود پیربوداقی / سید علی میرافضلی ۷۵-۷۲
«تلفظ در شعر کهن فارسی»: سرمشق بایدها و نبایدهای پژوهش / علی‌شاپوران ۱۰۴-۷۶
حکایتی ساختگی از قرآن‌های خطی افغانستان: نقدی بر کتاب «حکایت قرآن‌های ناپیدای افغانستان»
و مقاله «آغازی بر فهرست‌نگاری مخطوطات افغانستان» / معصومه نظری ۱۰۸-۱۰۵
نگاهی به تصحیح «خلاصة الاشعار و زیدة الافکار (بخش یزد و کرمان و نواحی آن)» /
مرتضی موسوی ۱۲۵-۱۰۹
معرفی و نقد کتاب «ناصر خسرو» / حسن حیدرزاده سردرود ۱۳۶-۱۲۶
نقد و بررسی ترجمه «شکونتلا» / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۴۱-۱۳۷
دورنمایی از کتاب «قرآن مورخان» / زینب سادات ابیطحی ۱۴۶-۱۴۲
نگاهی منتقدانه به مقاله «سنگ‌نبشته‌ای نویافته در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم (DNF)» /
سهیل دلشاد ۱۵۹-۱۴۷

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۶-۱۰) / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۶۶-۱۶۰

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۱)

آثار نعیم مصطفی افندی / نصر الله صالحی ۱۷۰-۱۶۷



توضیحاتی درباره «بخشی از تفسیری کهن به پارسی»

مسعود قاسمی

mas.ghasemi@yahoo.com

مردم هرات در قرن چهارم و پنجم هجری را به زبان رایج خود در قرن ششم تغییر داده است.^۲

دفتر نشر میراث مکتوب با همکاری نشر قبله، بخشی از تفسیری کهن به پارسی را در سال ۱۳۷۵، با تصحیح سید مرتضی آية الله زاده شیرازی، چاپ و منتشر کرده است. در این کتاب، علاوه بر مقدمه مصحح درباره ویژگی‌های مختلف اثر، توضیحات علی رواقی درباره لغات این متن و نمایه‌هایی که او از لغات فارسی-عربی و عربی-فارسی آن تهیه کرده نیز ضمیمه شده است. با وجود آنکه مصحح کوشش کرده تا رسم الخط و حرکات و نشانه‌های متن چاپی عین خط و ضبط متن دستنویس باشد، ولی در موارد متعدّد کلماتی که در دستنویس با حرف «پ» نوشته شده در متن چاپی با حرف «ب» آمده، و یا مصحح حرکاتی را بر بعضی از کلمات گذاشته که در دستنویس نیامده، و بعضاً نیز حرکات نادرست است. تعدادی از ضبط‌های متن چاپی نیز با اصل آن در دستنویس تفاوت دارد و توضیحات ناموجهی نیز درباره بعضی از لغات در پانویس‌ها دیده می‌شود. مصحح همچنین برای کامل کردن

بخشی از تفسیری کهن به پارسی. از مؤلفی ناشناخته. تحقیق و تصحیح سید مرتضی آية الله زاده شیرازی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش.

کتاب بخشی از تفسیری کهن به پارسی^۱ دربرگیرنده نوشته‌ای است کهن باقی‌مانده از ترجمه تحت‌اللفظ و تفسیری کوتاه از آیه‌های ناقص ده سوره از قرآن. این سوره‌ها عبارتند از: اعراف (از آیه ۱۵۷ تا آخر)؛ انفال (از آیه ۱۱ تا آخر)؛ توبه (فاقد آیه ۱۱۰ تا بخشی از آیه ۱۱۲)؛ یونس؛ هود (فاقد آیات ۱۹ تا ۲۵ و ۵۶ تا ۶۴)؛ یوسف (فاقد آیات ۲۲ تا ۳۳)؛ رعد؛ ابراهیم؛ حجر (از آیه ۱ تا آیه ۸۸)؛ نحل (از آیه ۲۴ تا آیه ۶۹). نام مترجم و کاتب در اوراق باقی‌مانده از این اثر دیده نمی‌شود. همانگونه که مصحح فقید در مقدمه کتاب (بیست‌وهشت - سی‌ویک) اشاره کرده، این ترجمه-تفسیر که احتمالاً حدود قرن پنجم در هرات نوشته شده، از نظر ویژگی‌های زبانی و سبکی کاملاً شبیه نوبت اول کشف الأسرار و عده الأبرار (آغاز تألیف ظاهراً ۵۲۰ قمری) است و به احتمال بسیار، منبع میبیدی در تألیف تفسیرش بوده است، با این تفاوت که او در کشف الأسرار زبان کهن

۲. به نظر شفيعي کدکنی خواجه عبدالله انصاری ترجمه و تفسیری از قرآن نداشته و مؤلف اصلی آن تفسیر «پیر هری» دیگری، پیش از خواجه عبدالله، بوده است (شفيعي، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۹۲).

۱. دستنویس این ترجمه-تفسیر، به گفته مصحح، یافته آیت‌الله حاج شیخ مرتضی امامی ساروی از گوشه مسجدی قدیمی است.

متن، آیه‌های ازمیان‌رفتهٔ دستنویس را از کشف الاسرار به متن افزوده‌است. نگارندهٔ این سطرها ضمن خواندن متن چاپی و مقایسهٔ آن با تصویر دستنویس آن، نکاتی را یادداشت کرد که در زیر به آنها اشاره خواهد کرد.^۳

ص ۲

لکن آن مرد با زمین نشست و [به] این جهان کرائید و با دیر {در دستنویس ظ. با دیو} زیستن آسود و وَرَبِّی وَاِیْسَ {صحیح: و وَرَبِّی وَاِیْسَ} خویش رفت و آن، آن بود که او می‌ملوک را مدیح {دستنویس: بمَدیح} گفت و از ایشان می‌صِلات ستد و او را در عبدالله بن جَدعان مدیحه‌ای نکوست {دستنویس: نیگُوست}.

ص ۵

جَنَّةُ {دستنویس: جِنَّةُ} جنّ است.

ص ۵

بس سخن خدای می‌بخواهند {دستنویس: می‌بخواهید} کورفید.

ص ۶

و از نَوَغْنَدُ {دستنویس: وَاَزَنَوَغْنَدُ} (= بازَنَوَغْنَدُ = آشکار نکند) {آنها برهنکام آن مکر او}.

ص ۷

ویرا {دستنویس: وَیرَا} اُنْباَز نهادند در آن فرزند که الله ایشان {دستنویس: اِبْشاَنر} داذه بود.

ص ۸

و آن کس که شَرکَاءِ {دستنویس: شُرکَا} خواند آن جمع است.

ص ۱۲

مسلمانان در نماز، بسِ مصطفیٰ صلی الله علیه و سلم آن {دستنویس: [قرآن]} می‌خواندند، با او برابر با آواز {دستنویس: با آواز (= به آواز)}.

۳. با تشکر از دکتر علی نویدی ملاطی برای اهدای نسخهٔ دیجیتالی دستنویس این اثر. تصحیحات نگارندهٔ این سطرها، در میان عبارات منقول، در ابرو ({} آمده و بندهای توضیحی او پس از نشانهٔ ستاره (*)).

ص ۱۹

یا صلاح نگاه‌داشتن را، که در جنگ یا بس‌تر {دستنویس: با بس‌تر (= با پس‌تر)} آید.

ص ۲۳

نیست این مکر اوسانه و داستان پیشینیان {دستنویس: پیشینان (= پیشینان)}.

ص ۲۵

... تا هر قاصدی که آهنگ دیدار رسول خدای داشتید برمی‌کردانیدند {دستنویس: می‌برکردانیدند}.

ص ۳۴

... تا آنکه {دستنویس: تا آنکه که (= تا آنگه که)} ایشان آنرا جُذ کردند.

ص ۳۵

آگاهی اوگن بایشان که تو بیمان ایشان بشکستی تا [یا] می‌خواهی شکست.

* از آنجاکه به کار رفتن تا در عبارت بالا نادرست می‌نموده، مصحّح یا را در قَلَاب به متن اضافه کرده و در نتیجه جمله نامفهوم شده‌است. در عبارت بالا تا به جای یا به کار رفته و صحیح است. در متون کهن دیگر نیز به کار رفتن تا در موقعیت یا، و همچنین یا در موقعیت تا، بارها آمده‌است (نک. غلامرضایی و حاجی سیدآقای، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۹).

ص ۳۹

مَا كَانَ لِیَبِّ هَرکَز نبود بیغامبریرا که ویرا اسیران در دست آید حتّی یثخن فی الارض. الإثنان، بسیار کشتن و سست کردانیدن کسی را بجراحت. تا در خون بغلتاند در زمین و تا بیش از آن که خون آوُز اوکند در زمین.

* عبارت عربی بالا بخشی از آیهٔ ۶۷ سورهٔ انفال (سورهٔ ۸)، همراه با ترجمه و توضیح آن است. خون آوُز اوکند، که در دستنویس متن (ص ۳۵) نیز به همین صورت نوشته شده، در مقدمه و توضیحات مصحّح و رواقی دیده‌ نمی‌شود،

ص ۴۱

کیست که مرا مأوی {دستنویس: ماوی} دهد تا کلام
خدای خُود {دستنویس: خُدای خُود} برسانم.

ص ۴۱

و میان مهاجر {دستنویس: مهاجر}.

ص ۴۲

مُهاجر از مهاجر {دستنویس: مهاجر} میراث می‌برد
{دستنویس: می‌بُرد} و بس.

ص ۴۳

و أولوالأَرْحام و خویشانان بیکدیگر از زانی‌تراند
{دستنویس: از زانی‌تراند} در میراث.

* عبارت بالا بخشی از آیه ۷۵ سورة انفال (سورة ۸) است.
ارزانی‌تراند در کشف الأسرار (میبدی، ۱۳۵۷: ۴/۷۷)
به‌صورت ارزانی‌اند آمده‌است. ارزانی در عبارت بالا و در
کشف الاسرار به‌معنی «سزاوار، مستحق» است (پهلوی:
arzānīg «شایسته»؛ مکنزی، ۱۳۷۳: ۴۲).

ص ۴۷

مکر ایشان که با ایشان {دستنویس: بایشان} بیمان
بسته‌ء... تا شما را بر وفاء شرط می‌بایند {دستنویس:
می‌پایند} شما ایشانرا بر زینهار می‌بایند {دستنویس:
می‌پایند}.

ص ۴۷

می طمع داشتند که ایشانرا از بهر سدانة واکذارند
{دستنویس: از بهر سدانة را کذارند} تا بر شرک خویش
می‌بایند {دستنویس: می‌پایند}.

ص ۵۰

می‌بندارید که شما را {دستنویس: شما ر} کذارند ایدر
برین‌که‌ایند.

* در صفحه ۶۹ نیز به‌جای نقش‌نمای را در دستنویس
صورت مخفّف آن، یعنی «ر» آمده‌است: «از ایشان کس
است که هموار ترا {دستنویس: تر} می‌عیب کند». مصحّح در
هر دو مورد آنها را به صورت رایج را و ترا در متن آورده
است. صورت «ر» (احتمالاً با تلفظ ra) در نوشته‌های کهن

ولی در فهرست لغات فارسی-عربی (ص ۳۱۷) و نیز
عربی-فارسی (ص ۳۴۳) آخر کتاب، معادل فعل «یُثَخِّنَ»
آمده‌است. در عبارت بالا گفته شده که مصدر «الإِثْخَانُ»
به‌معنی «بسیار کشتن» است. در فرهنگ‌های لغت نیز
«إِثْخَان» به همین معنی است. ترجمه «یُثَخِّنَ» در
فرهنگنامه قرآنی (یاحقی، ۱۳۷۷: ج ۴/۱۶۸۱) «بسیار بکشد،
کشتن کند بسیار» است. ترجمه این بخش از آیه مذکور
در تفاسیر کشف الاسرار و روض الجنان چنین است:
«هرگز نبود پیغامبری که ویرا اسیران در دست آمد حتی
یثخن فی الارض تا پیش از این خوناب او را افکند در
زمین» (میبدی، ۱۳۵۷: ۷۵/۴)، «نباشد هیچ پیامبری را که
باشند او را اسیران تا مبالغت کند در کشتن در زمین»
(رازی، ۱۳۶۵-۱۳۷۶: ۱۴۷/۹).

از آنجا که «إِثْخَان» به‌معنی «بسیار کشتن» است،
«یُثَخِّنَ» در بخشی از تفسیری کهن به «در خون بغلتاند»
و «خون‌آوَز اوکند» برگردانیده و شرح شده‌است. آوَز در
ترکیب خون‌آوَز باید صورت دیگر آوازَه و آوَزَه به‌معنی
«تالاب، برکه، آبگیر» و خون‌آوَز اضافه مقلوب آوَزِ خون یا
آوَزَه خون به‌معنی «تالاب و برکه خون» باشد. آوَز/ آوَزَه،
به معنی یادشده، در چند متن قدیم دیگر به‌صورت‌های
زیر به کار رفته‌است:

حدود العالم: آوازَه، اوازَه (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۹۰)؛ هدایة
المتعلّمين: آوزها (اخوینی بخاری، ۱۳۸۷: ۱۳۱)؛ تاریخ
بیهقی: آوازاها، اوازاها (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۳۸-۲۴۳)؛ تکملة
الاصناف: آوزه (ادیب کرمینی، ۱۳۶۳: ۸، ۳۳۹، ۴۳۷)؛ اسناد
بخارا: اوزه (نک. رواقی و میرشمسی، ۱۳۸۱: ۳۸۰).

رضایی باغبیدی (۱۳۷۵: ۱-۲) نوشته‌است که آوَز در هدایة
المتعلّمين صورت دیگر اوازَه در حدود العالم و مأخوذ از
سغدی مانوی 𐭠𐭣𐭠𐭡𐭠 و سغدی بودایی 𐭠𐭣𐭠𐭡𐭠 و
𐭠𐭣𐭠𐭡𐭠 است که به‌نظر بیلی احتمالاً از ریشه vaz
«جاری شدن» آمده و معنی اصلی آن «محلّ جاری شدن،
محلّ فوران» است. صادقی (۱۳۹۰: ۲۳۸-۲۴۳) نیز با اشاره
به اینکه آوارها در تاریخ بیهقی تصحیف آوازاها= آوازه‌ها
است، به‌طور مشروح به توضیح این واژه پرداخته‌است.

دیگر به کار رفته و در بعضی گویش‌ها و زبان‌ها رایج است (برای توضیح و شواهد بیشتر، نک. صادقی، ۱۳۸۵: ۳۵۲؛ حاجی سیدآقایی، ۱۳۹۰: ۴۷).

ص ۵۷

و حَبْر نامی است دانشمندان {دستنویس: دانشمند} اسرائیلی را.

ص ۶۴

و نابسند آمد ویرا خواست {دستنویس: خاست} ایشان. املای خاست نشان‌دهندهٔ آن است که واو معدوله در این کلمه تلفظ نمی‌شده است.

ص ۶۴

در میان {دستنویس: در میان} شما شتر فاذوا {دستنویس: فاذوا} می‌تاختند.

* فاذوا (گونه دیگر فاوا و فراوا)، به معنی «این سو و آن سو»، در دستنویسی مشکول از تفسیر سورآبادی (حیدرپور نجفآبادی و صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۸) چند بار به صورت فَاذَوَا(ی) آمده است. حرکات فاذوا در این دو متن نشان‌دهنده صَحْت تلفظ fādvā برای این واژه است. فاذوا = فادوا ظاهراً با افزایش d غیراشتقاقی پس از مصوَّت بلند، گونه دیگر فاوا و فراوا است (برای توضیح و شواهد فاوا و فراوا، نک. صادقی، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۰۱. برای شواهد d غیراشتقاقی پس از مصوَّت بلند، نک. حاجی سیدآقایی، ۱۳۸۸: ۴۵).

ص ۶۵

و آن وقت که آمد عبدالله بن ابی سلول {دستنویس: عَبْدُاللهِ ابْنِ سُلُول} رئیس منافقان را...

ص ۶۷

و بنماز جماعت نیایند مکر با نیاری {دستنویس: با نیاری}.

* با نیاری در ترجمه «کَسَالِی» است. در دستنویس (ص ۶۱) بالای نیاری راده‌ای گذاشته شده و در حاشیه نوشته شده: «یعنی بکاهلی». ترجمه «کَسَالِی» در کشف الاسرار (مبیدی، ۱۳۵۷: ۱۴۶/۴) «بکسلانی» است.

ص ۷۲

می‌برهیزند منافقان که فروذ آید {دستنویس: فروز آید} بر ایشان از آسمان سوره...

* برای تبدیل صامت «ذ» به «ز» و شواهد آن، نک. صاحبی، ۱۳۹۷: ۲۸-۳۱.

ص ۷۲

کوی بخدای و سخنان {دستنویس: سخنان} او و رسول او می‌افسوس {دستنویس: می‌افسوس} کردید.

ص ۷۸

عبدالله ابی سلول {دستنویس: عبدالله ابی سلول}.

ص ۹۳

معنی آنست که هائِرِ جنان که در عقب گفت فَاَنهَارَ به رِیْکُ بَسْت {دستنویس: رِیْکُ بَسْت} (= ریگ‌پشت = پشته ریگ) {بَسْتِ زَوَان} (= پستِ روان).

ص ۹۵

* در این صفحه چاپی، بعد از آیه ۱۱۴ سوره توبه، ۱۰ سطر از صفحه ۹۱ دستنویس چاپ نشده است. سطرهای چاپ‌نشده را در زیر با همان رسم‌الخط و حرکات دستنویس می‌آوریم:

سبب نزول این آیت آن بود که رسولِ خدای صلی الله علیه و سلم رَأَى قَبْرَ امِّهِ فِي الْفِ مَقْعٍ عِنْدَ ابْوَابِ وُدَّانَ بنزدیک ابواب وُدَّان از میان سباه خود جُذَا شُدْ مُخْتَزِلْ با هزار مرد با خود در سَر و کُورِ مادرِ خود را زیارت کرد و کوتله سنک بُود بر کُورِ وی یعنی رَضَم و بنشست اندیشه‌مند و برخاست اندوه‌کن لَوْنِ او گشته گفت این کور مادر من است دستوری خواستم در زیارت دستوری دادند دستوری خواستم آمرزش خواستن را دستوری ندادند مرا مسلمانان که با وِی بودند گفتند چون است که محمد بر خدای عزوجل کرامی تر است از ابرهیم ابرهیم را رَوَا بُود که بذر خود را آمرزش خواست محمد را روا نبود که مادر را خواست این جواب آنست که آمد.

در حاشیهٔ سمت چپ، کنار «أَبْوَابٍ وُدَّانَ» نوشته شده: «بِ رُدَّان نسخه».

ص ۹۶

مرده زنده می‌کند و زنده می‌میراند {دستنویس: می‌میرند (ظاهراً با تلفظ می‌میرند)}.

ص ۹۹

و این است یک معنی از دو معنی قِرَاءَةٍ {دستنویس: قِرَاءَةٍ} آن کس که خواند.

* املاي قِرَاءَةٍ، که مصحح آن را به قِرَاءَةٍ تغییر داده، ظاهراً نشان‌دهندهٔ تلفظ نشدن واج همزه یعنی qirāat بوده است. این املا، بدون حرکت، یعنی قِرَاءَةٍ، چندین بار در تفسیر قرآن پاک (ص ۶۱، ۶۸، ۷۳، ۸۶) نیز آمده است.^۴

ص ۱۰۱

تا ایشان از ناپسند پیر هیزند {دستنویس: ناپسند پیر هیزند}.

ص ۱۰۱

و ایدون باذا که کافران در شما که مومنان اند {دستنویس: مومنان اند (= مومنان اید)}.

ص ۱۰۴

کار باو سبردم و بشت باو بازکردم.

* بازکردم در دستنویس ابتدا بازدام بوده و بعد آن را به صورت بالا تغییر داده‌اند. در کشف الاسرار (مبیدی، ۱۳۵۷: ۱۰۴/۴) نیز «بشت باو بازکردم» است.

ص ۱۰۶

اوست خذاوندِ شما او را برستید تیز نه‌بذیرید {دستنویس: برستید پند نه‌بذیرید} و حق خذاوندِ حق در نیاوید.

* در کشف الاسرار (مبیدی، ۱۳۵۷: ۲۴۶/۴) نیز «پند نپذیرید» در ترجمهٔ «أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» آمده است.

ص ۱۱۰

هلاک کردیم و تباه کردم {دستنویس: کردیم} کروهان...

ص ۱۱۲

... میان ایشان کار برگزارده {دستنویس: برگزاده (= برگزاده = برگزارده)} آملید...

ص ۱۱۲

ناسزاگویانرا و باطل‌کوورزانرا {دستنویس: باطل‌کوورزانرا} درنگ ندارید {دستنویس: درنگ ندادید (= درنگ ندادید)} طرفهٔ عین...

* صامت r در برگزاده (= برگزاده) و باطل‌کووزان (= باطل‌گووزان)، بعد از مصوّت‌های بلند ā و کوتاه a، حذف شده است (برای توضیحات و شواهد حذف صامت r، نک. حاجی سیدآقای، ۱۳۹۰: ۹-۱۰).

ص ۱۱۸

هرکس که بیش فرافرستاد از کرد خویش مُطیع بر بی اطاعت {دستنویس: مُطیع بر پی طاعت} تابسرای مُطیعان.

ص ۱۱۸

... با حقیقت حکم الله و آن {دستنویس: و آن (= با آن)} سابقِ غالبِ ازلی {دستنویس: ازلی}.

ص ۱۱۹

شما از و جون می‌برگردانند {دستنویس: می‌برگردانید}.

ص ۱۲۰

و بیشتر ایشان نمی‌روند مگر بر بی بنداشت {دستنویس: بر پی پنداشت}.

ص ۱۲۴

این عذاب درین آیت نام رستاخیز است و در قرآن اینرا {دستنویس: آنیزا} نظائر است.

* آنیزا ظاهراً گونهٔ کهن نیز، به معنی «همچنین» است که به همین صورت در صفحهٔ ۱۲۶ متن چاپی (ص ۱۲۷ دستنویس) نیز آمده است: «... تنها این در عربیت مشهور است و در قرآن آنیزا نظایر است». پهلوی: anī-z (مکنزی، ۱۳۷۳: ۴۰).

ص ۱۲۵

و میان ایشان کار برگزارند {دستنویس: برگزارند کار} بسزا و داد.

۴. مصحح متن همهٔ این موارد را به حاشیه برده و صورت قرائت را در متن قرار داده است.

ص ۱۲۶

می‌گوید آمد بشما بُند {دستنویس: پند} از خداوند شما.

ص ۱۳۰

بخدای بازکردم و کار خود باؤ {دستنویس: باؤ (ظاهراً
املائی ناقص باؤ = بازو)}.

ص ۱۳۰

انبازان خود یار گیرید کار و حیل خود {دستنویس:
خِرْد} کرد کنید.* در کشف الاسرار (مبیدی، ۱۳۵۷: ۳۱۶/۴) نیز خود
آمده است.

ص ۱۳۲

این بَرْدِیو {دستنویس: پَرْدِیو} است؟ و بَرْدِیوکران
{دستنویس: پَرْدِیوکران} را نه بیروزی است.

ص ۱۳۴

صبر {دستنویس: صیر} خویش می‌باید.

ص ۱۴۵

بما از آفرینش آسمان و زمین و {این «و» زاید است و
در دستنویس نیست} هیچ مانده‌ی ترسیذ.* همچنین مانده‌ی در بالا به جای ماندگی آمده است. در
نوشته‌های کهن دیگر نیز بعد از های غیر ملفوظ بعضی از
کلمات، گاف میانجی قبل از یای مصدری نیامده است،
مثلاً: پخته‌ی = پختگی، تازه‌ی = تازگی، خفه‌ی = خفگی
(صادقی، ۱۳۸۸: شصت و سه).

ص ۱۴۶

و اَرْ بجشانیم او را نیک‌روزی و ژیدی و ناز و
تن‌آسانی...* ژیدی در عبارت بالا مترادف نَعْماء به معنی «خوشی و
آسایش» است. رواقی این واژه را در توضیحات خود (ص
سی و هفت) جزء واژه‌هایی که در کشف الاسرار و متن‌های
دیگر کمتر به کار رفته آورده است. ژیدی همان زید است که
در کشف الاسرار معادل نَعیم آمده: «پرهیزگاران در
بهشته‌اند با ناز و زید» (مبیدی، ۱۳۵۷: ۳۲۸/۹)؛ «نیکان
نوازندگان فردا در ناز اند و در زید» (همان: ۴۰۴/۱۰).

ص ۱۴۸

کسی که او بر درستی و راستی و بیذا اِتی {دستنویس:
پیدا اِتی} است.

ص ۱۵۱

و نمی‌بینیم ترا که بتوبی {دستنویس: پی} برز مکر ایشان
که رُذاله و نُفایه ما اند ننک دوز ان ما {دستنویس: دُوذِآن
ما (= دودمان ما)}.

ص ۱۵۳

و بَذِکَر دهاء {دستنویس: بَذِکَر دهاء} من بر من.

ص ۱۵۴

... برو عذاب پاینده {دستنویس: پاینده} جاوید مُقیم.

ص ۱۵۸

الله بانوح کفت فروذ آی {دستنویس: فروز آی}.

ص ۱۵۹

نیست شما را خدای جُذ ازو و نیستند شما مکر
دروغ‌سازان.* مصحح برای نیستند (= نیستید) در پانویس «کذا»
نوشته است. آمدن شناسه فعلی -ند به جای -ید در متون
دیگر نیز سابقه دارد. برای توضیح و شواهد نک. صادقی و
حاجی سیدآقای، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰.

ص ۱۶۳

فریشته یک {دستنویس: یک} بانک زذر ایشان.

* مصحح فتحه کلمه گشتند (= گشتند) در سطر بعد را که
زیر یک قرار گرفته، کسره یک پنداشته است. تلفظ یک در
این متن با فتحه «ی» نموده شده، و در اکثر متن‌های کهن
دیگر نیز، مانند بعضی گویش‌ها، با یای مفتوح است.

ص ۱۷۰

آن به است شما را و با برکه تر {دستنویس: با برکه تر} ار
کورفیدکان اید.* در دیگر متون کهن صورت برکه بسیار به کار
رفته است. اکنون نیز در زبان تاجیکی به جای برکت، بَرَکه
گفته می‌شود (نظرزاده، ۲۰۱۰: ۱۳۸/۱).

ص ۱۷۵

هست از آن شهرها که برای است انیز جون قُسْطُنْطِیْنَه
و هَرَمِیْنِ مصر و کِنِیْسَه زُها {دستنویس: کِنِیْسَه زُها}.

ص ۱۷۷

در بهشت اند ایشان فردا جَاوِیْدان در آن همیشه تا
آسمان باید {دستنویس: پاید} و زمین.

ص ۱۷۹

این فرمان و بذیس یادکاری است و یاذی باذدارانرا
{دستنویس: یاذدارانرا}.

ص ۱۸۰

تا بر بی {دستنویس: پی} آن استاذند بی {دستنویس: پی}
فراخ جهانی.

ص ۱۸۱

حقا که بُر کنم ناجاره دوزخ را از بری {دستنویس: بُری
(تَلْفَظی از بُری)} و آدمی.

ص ۱۸۴

ما این قران را که {دستنویس: ما باین قران که} بر تو
فروفرستادیم.

ص ۱۸۶

بفرست او را با ما تا رمه جرانیم و او بازی کند و ما بِرِ
او او را کوشوانانیم {د. کوشوانان بيم (= گوشوانان باشیم)}.

ص ۱۸۷

و ایشان را آگاه کنیم ناجار {دستنویس: ناجاره}.

ص ۱۸۹

و بفروختند او را ببهاء اندک کاسته خُسْت {دستنویس:
کاسته خُسْت}.

ص ۱۹۴

تعبیر کن ما را خواب ما که ما ترا از دانایان می بینیم
{دستنویس: می بینم}.

ص ۱۹۶

اما یکی از شما دو یعنی آنکس که می انگور ژفت.

* ژفتن با توجه به عبارت بالا به معنی «فشردن» است.
فعل جَفیدن به معنی «چلانیدن» در بعضی از گویش های
جنوبی زبان تاجیکی ظاهراً با فعل ژفتن مرتبط است (نک.
قاسمی و دیگران، ۱۳۷۶: ۸۳/۱).

ص ۱۹۷

این ملک ایدَر اَظفیر عزیز {دستنویس: اَظفیر است عزیز}
مصر.

ص ۱۹۹

می گوید بریکارید هفت سال بکوشش و کشکولی.

* در توضیحات و فهرست های کتاب اشاره ای به واژه
کشکولی و معنای آن نشده است. عبارت بالا در داستان
یوسف است. در کشف الاسرار (میلادی، ۱۳۵۷: ۷۸/۵) به جای
«بکوشش و کشکولی»، «بکوشش و جهد تمام» آمده است.
کشکولی با فعل کردن یک بار در کتاب المصاخر بُستی
(صادقی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷) معادل «تَجَلد»، به معنی «جلدی و
چابکی کردن»، آمده است. بژکول، بشکول، وشکول (به فتح یا
ضم یا کسر حرف اوّل و جزم حرف دوم)، به معنی «مرد جلد و
چست و چابک، حریص در کارها» در برهان قاطع ضبط
شده است. به گفته صادقی (۱۳۹۱: ۳۷) تلفظ درست این واژه
به احتمال بسیار گُشکولی است و گُشکول صورت تحوّل یافته
و شکول و بشکول نیز مبدّل و شکول است.

ص ۲۰۰

خداوند من الله بآن سازهاء که ایشان که {که زاید است
و در دستنویس نیامده} ساختند دانا است.

ص ۲۰۱

کفت که بنزدیک ما {دستنویس: اَمّا} تو امروز بایکاه دار
استوار بسندیدهء.

* اَمّا (ضمیر شخصی جدا) در عبارت بالا مطابق صورت
اصل آن در پهلوی (amā) است.

ص ۲۰۵

از در برکنده {دستنویس: پرکنده} در شید.

ص ۲۰۵

ایزون باذا که بشتی داران بشت باو دارند و {دستنویس:

اَو {کارو سَباران کار باو وُسَبارند.

* اَو (واو عطف) در عبارت بالا مطابق صورت اصل آن در پهلوی (u) است.

ص ۲۰۶

هیج جیز {دستنویس: هیجیزی} از خواست خدای.

ص ۲۰۷

و هر کسی را که آن صَواع باز آرد اوراست {دستنویس: او را} اشتروارِ کَندَم.

ص ۲۰۹

جون نومیذ {دستنویس: نومیذ} شذند...

ص ۲۱۱

کفتند بالله که هیج بنخواهی سُوید از یادکرد یوسف.

* سُوید در عبارت بالا گونه آوایی دیگر آسُوید، با حذف هجای اوّل، است. برای توضیح و شواهد بیشتر حذف هجای اوّل کلمات، نک. صادقی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۵.

ص ۲۱۹

... مکر مردمانی از شهرهائِ برکنده {دستنویس: شهرها پرکنده}.

ص ۲۲۳

من ... هر سال می سبز کنم و بُر بار {دستنویس: پُر بار} و زمین تهی کشته و خشک می سبز کنم و بُر بُر {دستنویس: پُر بُر}.

ص ۲۲۳

ایشان آناند {دستنویس: آند} که خذاوندِ خویش شناسند.

ص ۲۲۴

... بیشینان {دستنویس: بیشینان} را عقوبتهای کوناگون که ایشان از بیشینیان {دستنویس: بیشینان} به نیستند.

ص ۲۳۲

... مکر اندکی ناباینده {دستنویس: ناپاینده} بر هیج بنده.

ص ۲۳۳

... ایشانرا زندکانی خُوش {دستنویس: خُوش}.

ص ۲۳۳

چنان که بیشینیان {دستنویس: بیشینان} را فرستادیم.

ص ۲۳۵

یا فرود {دستنویس: فروز} آید ناکاهی بر در سرای ایشان.

ص ۲۳۵

جون بُوذ سرانجام نمودن من دشمنانرا {دستنویس: دشمنانرا}.

* گونه دشمنان در متن های دیگر نیز آمده: «عَدُوْ - دشمن، دشمن» (زمخشری خوارزمی، ۱۳۸۶: ۴۵).

ص ۲۴۸

می آشمانند ایشانرا از آب سَتیم... و نمی تواند که بیاراند که بکواراند آنرا و روان فروبرد.

* بیاراند (بیاراند آنرا در ترجمه یُسَیغَه) به معنی «قورت دادن، فرو خوردن» تلفظ و شکل بسیار نادری است که به صورت های دیگر در فرهنگ ها و نوشته های کهن به کار رفته است، از جمله: اوباریدن، اوباشتن، فروآواریدن، فروآوریدن، فروآواریدن، فروآوریدن، فرویویارنیدن (زوزنی، ۱۳۷۴: ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۶، ۷۰۳ متن و حاشیه؛ مقری بیهقی، ۱۳۷۵: ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۰، ۶۹۲ متن و حاشیه؛ صادقی، ۱۳۹۱: ۵۹، ۶۰؛ دهخدا، ذیل «اوباردن»، «اوباریدن»، «اوباشتن»، «بیوباشتن»، «بیوباردن»، «بیوبردن»؛ رواقی و میرشمسی، ۱۳۸۱: ۳۵، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۵۰۷).

ص ۲۴۹

بَس رُوان {دستنویس: بَس رَوان} کویند کردن کشانرا که ما شما را در آن جهان بَس رُوان {دستنویس: بَس روان} بوذیم.

ص ۲۵۰

و اهل دو سرای در دو سرای فروز آیند {دستنویس: آید}.

ص ۲۵۰

مرا نکوهید {دستنویس: منکوهید} خویشتن را نکوهید.

ص ۲۵۲

و فروذ {د. فروز} آوردند قَوْم خویش را یعنی عَثبه و

اویژهء پاک {دستنویس: پاک}.

* صورت نادر اویژه (در دستنویس شاید اویژه باشد) که در صفحات ۱۴۰ و ۱۸۵ (بدون حرکت) نیز آمده، ظاهراً گونه گویشی اویژه (= ویژه) به معنی «خالص و پاک»، نزدیک به اصل آن در پهلوی، یعنی abēzag (مکنزی، ۱۳۷۳: ۳۱)، است.

ص ۳۲۴ و ۳۳۰

* در فهرست‌های پایان کتاب (تدوین علی رواقی) می‌فانم معادل اَشْکُوا دانسته شده است و به عکس (یعنی اَشْکُوا معادل می‌فانم). از آنجا که فاندن به معنی «پراکندن» است، باید اندوه می‌فانم را معادل اَشْکُوا بَنَی بدانیم.

کلمات مشکول

یکی از ویژگی‌های این دستنویس مشکول بودن تعدادی از کلمات آن است. بعضی از این حرکت‌گذاری‌ها نشان می‌دهد که زبان منطقه هرات گرایش به شکسته تلفظ کردن کلمات داشته است، یعنی در کلمات زیر که سه صامت یا یک مصؤ بلند (ā یا ī) و دو صامت یا یک مصؤ کوتاه (a یا i) و دو صامت کنار هم آمده، یک مصؤ میانجی (مصؤ میان‌هسته)، برای سهولت تلفظ، میان آنها آورده شده است. اکنون نیز در زبان مردم افغانستان این نوع تلفظ رایج است، مثلاً تَخْت را تَخْت و فِکْر را فِکِر می‌گویند. در زیر به اینگونه کلمات، که در متن چاپی نشان داده نشده و بعضاً به‌طور ناقص ضبط شده، توجه می‌کنیم.

آشکارا/ ۲۶۱، ۲۸۱؛ آمرزکار/ ۲۵۴؛ باروَری (باروری)/ ۲۲۴؛ برآرستند/ ۲۳۶؛ بَندها (بندها)/ ۲۵۷؛ بَندها (پندها)/ ۲۴۳؛ بَهَر (از-) / ۱۴۳؛ اُوفند/ ۱۴۰؛ تاختن/ ۲؛ ثَغرها/ ۳۶؛ خواستَم/ ۲۰۰؛ خواهند گرفت (خواهند گرفت)/ ۲۲۳؛ داشتَن/ ۱۷۲؛ دَرَبهَاء مکه/ ۲۵؛ دستِ رَس/ ۲۶۴؛ راستِ دان/ ۱۴۲؛ راستِ دانش/ ۲۶۲؛ رَنْجَوَر/ ۲۵۳؛ (پهلوی: ranjwar)؛ رُویها (روی‌ها)/ ۲۶۵؛ ساختند/ ۲۳۹؛ سختِ مهربان/ ۲۸۵؛ سَرْبازَرْد/ ۲۶۳؛ عیب‌بوش/ ۱۴۰، ۲۰۱؛ فروغِ رُسْتیم/ ۲۶۲؛ گردن‌کشی (گردن‌کشی)/ ۲۴۷؛ کِشْتِ اَوَز/ ۲۲۶؛ مَهْرَبان/ ۸۸، ۱۰۴؛ مَهْرَبانی/ ۲۸۹؛ نِسْتانند/ ۱۰۰؛ نمی‌پذیرند/ ۵۴؛ نمی‌دارند/ ۵۴؛ نهانهای (-خویش)/ ۱۴۳.

اَباجَهْل و فُروذ {دستنویس: فروز} آوردند قوم خویش را در سِرْای تباھی.

ص ۲۵۵

فراپذیر {دستنویس: فرایدیر} و بنیوش و باسخ کن.

ص ۲۵۶

جشمها در آن روز در بالای هَسْکذ {دستنویس: هَسْکِذا}.

ص ۲۵۸

ذَرُهْم در همه قرآن کلمه {دستنویس: کُلْه} وعید است.

ص ۲۶۱

و شما را در آن زیستها {دستنویس: زیشها} جای ساختیم و جیز.

ص ۲۶۵

نرسد بایشان در آن سرای ماندکی {دستنویس: ماندی}.

* در صفحه ۱۴۵ نیز ماندی به جای ماندگی، به معنی «خستگی و ناتوانی»، آمده است.

ص ۲۶۷

گفت شارستانیانرا {دستنویس: شارستانیان} این مهمانان من اند.

ص ۲۷۰

... نَکَرْدو چشم {دستنویس: نَکَرْد و چشم} خویشان بنکرستن بآن نَبَنَدی.

ص ۲۷۸

و هرگاه که ایشانرا {دستنویس: و هرگاه ایشانرا} کویند که چه جیز است که فروغِ رستاد خداوند شما.

ص ۲۷۹

خویشان دهند در دست فرشتگان {دستنویس: فرشتگان (= فرشتگان)}.

ص ۲۸۰

و بذ جایگاه کردن کشان {دستنویس: کردن کشان را}.

ص ۲۹۰

... میان سرکین و خون شیر {دستنویس: شیر} رستهء

منابع

- اخوینی، ابوبکر ربیع بن احمد (۱۳۸۷). هدایة المتعلّمين فی الطبّ (نسخه برگردان از روی نسخه کتابت ۴۷۸ق). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. تهران: بهرام.
- بخشی از تفسیری کهن به پارسی (۱۳۷۵). به تصحیح سید مرتضی آية الله زاده شیرازی. تهران: میراث مکتوب - قبله.
- تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۸). به تصحیح علی رواقی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حاجی سیدآقای، اکرم السّادات (۱۳۸۸). «نگاهی به شیوة تصحیح ترجمه تفسیر طبری». کتاب ماه ادبیات، ش ۳۱ (پیاپی ۱۴۵): ۴۰-۵۷.
- _____ (۱۳۹۰). «لزوم بازنگری در تصحیح قصص الانبیای نیشابوری». آینه میراث، سال هشتم، ضمیمه شماره ۲۱.
- حیدرپور نجف آبادی، ندا و علی صفری آق قلعہ (۱۳۹۶). «واژه‌های فارسی در دست‌نویسی مشکول از تفسیر سوراآبادی». آینه میراث، سال پانزدهم، ش ۲ (پیاپی ۶۱): ۷۳-۱۰۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۳۶۵-۱۳۷۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۷۵). «چهار واژه دخیل سُغدی در هدایة المتعلّمين فی الطبّ». نامه فرهنگستان، سال ۲، ش ۳ (پیاپی ۷): ۱-۴.
- رواقی، علی با همکاری مریم میرشمسی (۱۳۸۱). ذیل فرهنگ‌های فارسی. تهران: هرمس.
- زمخشری خوارزمی، جارالله ابوالقاسم محمود (۱۳۸۶). مقدّمة الادب. با مقدّمه مهدی محقق. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل.
- زوزنی، عبدالله حسین بن احمد (۱۳۷۴). کتاب المصادر. به تصحیح تقی بینش. تهران: البرز.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸). «پیر هری غیر از خواجه عبدالله انصاری است». نامه بهارستان، دفتر ۱۵، سال دهم: ۱۸۵-۱۹۲.
- صاحبی، سید محمد (۱۳۹۷). «ویژگی‌های دستوری کمیاب و برجسته در ترجمه ادعیه ذخیره الآخرة». دستور
- (ویژنه‌نامه نامه فرهنگستان)، جلد ۱۴: ۱۷-۴۹.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۵). «نکاتی در باب ترجمه تفسیر طبری مصحح مرحوم یغمایی». در: ارج نامه حبیب یغمایی. به کوشش سید علی آل داود. تهران: میراث مکتوب. ص ۳۴۹-۳۶۸.
- _____ (۱۳۸۶). «تحول کلمات فارسی در دوره اسلامی». ادب پژوهی، سال ۱، ش ۱: ۹-۱۵.
- _____ (۱۳۸۸). «ویژگی‌های زبانی الابنیه». در: کتاب الابنیه عن حقایق الادویه. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ص سی و هفت - هشتاد و شش.
- _____ (۱۳۹۰). «۴- آوازه». فرهنگ‌نویسی (ویژنه‌نامه نامه فرهنگستان)، جلد ۴: ۲۳۸-۲۶۸.
- _____ (۱۳۹۱). «تحقیق در کتاب المصادر ابوبکر بُستی». آینه میراث، سال دهم، ضمیمه شماره ۲۳.
- _____ (۱۳۹۰). «۱۴- فاوا». فرهنگ‌نویسی (ویژنه‌نامه نامه فرهنگستان)، جلد ۷: ۹۷-۱۱۳.
- صادقی، علی اشرف و اکرم السّادات حاجی سیدآقای (۱۳۹۰). «برخی شکل‌های ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم». دستور (ویژنه‌نامه نامه فرهنگستان)، جلد ۷: ۳-۵۷.
- غلامرضایی، محمد و اکرم السّادات حاجی سیدآقای (۱۳۸۶). «نثر شیوای فارسی در خدمت قرآن» (نگاهی به شیوة تصحیح کتاب ترجمه و قصه‌های قرآن برگرفته از تفسیر سوراآبادی). کتاب ماه ادبیات، ش ۵ (پیاپی ۱۱۹): ۷۴-۱۰۰.
- قاسمی، مسعود و دیگران (۱۳۷۶). فرهنگ مصادر زبانها و گویشهای ایرانی تاجیکستان. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی.
- _____ (۱۳۹۰). «تصحیحات کتاب حدود العالم». فرهنگ‌نویسی (ویژنه‌نامه نامه فرهنگستان)، جلد ۴: ۲۸۳-۳۰۳.
- مقرئ بیهقی، ابوجعفر احمد بن علی بن محمد (۱۳۷۵). تاج المصادر. به تصحیح هادی عالم‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مکنزی، د. ن. (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۵۷). کشف الاسرار و غده الارار. به تصحیح علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- نظرزاده، سیف‌الدین و دیگران (زیر تحریر) (۲۰۱۰). فرهنگ تفسیری زبان تاجیکی. دوشنبه: پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی.
- یاحقی، محمدجعفر (با نظارت) (۱۳۷۷). فرهنگ‌نامه قرآنی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

Table of Contents

Editorial

Cultural diplomacy and the written heritage	3-5
---	-----

Articles

Nizām-i Ta'rifā / Ali Ashraf SADEGHI.....	6-7
An introduction of three old sources of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	8-13
<i>Sipīd-Muhra</i> and <i>Shankha</i> / Ali SAFARI AQ-QALEH	14-17
A few points and some words considering <i>Mawāhib-i Ilāhī</i> of Mu'tin ul-Dīn-i Yazdī / Ahmad BEHNAMI	18-21
Some remarks on several of Manūchihri-yi Dāmghānī's patrons / Raziye ABADIYAN.....	22-27
Editing a couplet of Tayyān-i Marghzi / Mohsen AHMADVANDI.....	28-30
Dust in my Mouth (I should not speak in such a manner): on the origin of an idiom / Wilhelm BACHER; Translated by Sepas RIVANDI	31-33

Reviews and Critiques

A look into <i>Persian Literary Influence on English Literature</i> / Majdoddin KEYVANI	34-49
A review of <i>Dīvān of Azraqī-ye Heravī</i> / Majdoddin KEYVANI	50-54
Some remarks on <i>A Fragment of an Old Exegesis in Persian</i> / Masoud QASEMI	55-64
Some remarks on <i>An Interpretation of the Holy Qur'ān</i> / Masoud QASEMI	65-71
Shaykh Mahmūd-i Pīr-Budāqī's narration of the <i>Rubā'īyyāt</i> of Khayyām / Seyyed Ali MIRAFZALI	72-75
<i>Pronunciation in Classical Persian Poetry</i> : an exemplar for what should and should not be done in research / Ali SHAPOURAN	76-104
An apocryphal story about Quran manuscripts in Afghanistan: a review of <i>The Story of Invisible Qurans of Afghanistan</i> , and "A Beginning of Cataloguing Manuscripts in Afghanistan" / Masoume NAZARI	105-108
A look into the edition of <i>Khulāṣat al-'Ash'ār va Zubdat al-'Afkār (Yazd, Kerman and its suburbs)</i> / Mortaza MOUSAVI	109-125
An introduction and a review of <i>Nāṣir Khusraw</i> / Hassan HEYDARZADEH SARDORUD	126-136
A review of the Persian translation of <i>Shakuntala</i> / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	137-141
A bird's-eye view of <i>Le Quran des Historians</i> / Zeynab Sadat ABTAHI	142-146
A critical look into "A Newly-Found Inscription at the tomb of Darius-the-great in Naqsh-e Rostam (DNf)" / Soheil DELSHAD	147-159

Essays on Research

What does an etymologist do? (6-10) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI.....	160-166
--	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (20)

Works of Na'imā Muṣṭafā Efendī / Nasrollah SALEHI	167-170
---	---------



Gozarash-e Miras

**Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology**

**Third Series, vol. 4, no. 1 - 2, Spring - Summer 2019
[Pub. Winter 2021]**

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

Assistant Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,

**Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, Fax: 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozarash@mirasmaktoob.ir